

چهل و یکمین جشنواره
بین‌المللی فیلم فجر
41st Fajr International
Film Festival

اخلاق
امید
آگاهی



نگاهی به
تلاش نافرجام تحریم‌کنندگان
چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر

تروریسم فرهنگی و جشنواره فیلم فجر

هانیه شجاعی زند
خبرنگار



ابوالفضل پورعرب:
من معنای تحریم را
نمی‌فهمم. چرا که
یکی از تفریحات
مردم سینما است و
حق نداریم این را از
آنها بگیریم. علت
تحریم چیست؟
اعتراض وجود
دارد اما با تحریم
که مشکلات حل
نمی‌شود! کسانی
که جشنواره را
تحریم می‌کنند،
عده‌ای دیگری
جای آنها را قطعاً
خواهند گرفت!

تحریم جشنواره فجر توسط هنرمندان کلید واژه‌ای بود که طی روزهای اخیر به ابزاری برای روشن نگه داشتن شعله اغتشاشات اخیر استفاده شد. تحریمی که گاهی پا را فراتر گذاشت و به توهین رسید. همچنان که چند روز قبل از شروع جشنواره مانی حقیقی، فرشته حسینی، هانیه توسلی و جمعی دیگر از عوامل فیلم «چرا گریه نمی‌کنی؟» در پست اینستاگرامی اعتراضی اعلام کردند که در جشنواره فجر شرکت نخواهند کرد. این افراد در این اعلامیه ضمن توهین به جشنواره بیان کردند، «اگر در چند سال اخیر از جشنواره فجر پرهیز می‌کرده‌ایم امسال از دیدن نام خود در آن ننگ داریم» آنها مدعی شدند «اگر در ارائه فیلم به جشنواره اختیاری داشتیم مانع حضور آن می‌شدیم»، اظهاراتی که با صحبت‌های مانی حقیقی در فضای مجازی تکمیل شد. او با انتشار ویدیویی در صفحه اینستاگرام خود خطاب به وزیر ارشاد گفته بود: «ما عزاداریم و در چهارگوشه این کشور داریم جسد عزیزانمان را خاک می‌کنیم، وقت نداریم برات برقصیم.»

اما آنچه از این حرف و حدیث‌ها بر می‌آید نشان می‌دهد که تحریم و کم‌مخاطب کردن جشنواره حربه شبکه‌های معاند بود به طوری که بهروز افخمی کارگردان و تهیه‌کننده سینمای ایران از آن به‌عنوان تروریسم فرهنگی یاد می‌کند و می‌گوید: «بی‌بی‌سی و اینترنشنال دارند تروریسم فرهنگی اعمال می‌کنند و می‌گویند چه کسی جرأت دارد

سینما برود؟»

ملیکا متولی‌پور بازیگر سینما و تئاتر و مجری برنامه‌های تلویزیونی نیز می‌گوید: من احساس می‌کنم بعضی از افراد جشنواره را به بهانه‌های واهی مثل دیکتاتوری تحریم کردند ولی برای من جای سؤال است که اگر با نظامی دیکتاتوری مواجه هستیم، پس چرا برخی خودشان هم با تحریم جشنواره منش دیکتاتوری را برگزیده و دیگران را نیز می‌خواهند مجبور کنند دست به تحریم جشنواره و دیگر رویدادهای فرهنگی بزنند. این بازیگر و مجری تلویزیون ادامه داد: آنها به بازیگران دیگر می‌گویند حق ندارید در جشنواره فجر و دیگر جشنواره‌ها شرکت کنید و اگر حضور پیدا کنید دیگر از ما نیستید که به نظر من این خود نوعی از دیکتاتوری است.

این در حالی است که تلاش شبکه‌های معاند برای داغ کردن تحریم جشنواره صدای کارشناسان خودشان را هم درآورد تا جایی که کارشناس شبکه «من و تو» این حرکت را این گونه تحلیل کرد: «او با اشاره به اینکه در فضای مجازی از سوی برخی هنرمندان بر رانته و دولتی بودن جشنواره اشاره می‌شود، گفت: شما هنرمندان در ایران فیلم می‌سازید و در اسکار جایزه می‌گیرید. نمی‌توانید در ایران نباشید، کار نکنید و سینمایی را که دولت حمایت می‌کند در آن بازی نکنید و هنرپیشه بشوید و بالا بیایید و بازیگر مطرح و مشهوری شوید.»

پول‌تان را از حکومت می‌گیرید و از تحریم حکومت حرف می‌زنید؟

ادعایی که شهاب حسینی هم به آن اذعان دارد، او در دل نوشته خود خطاب به تحریم‌کنندگان جشنواره در ادوار گذشته گفته بود: شما پول‌تان را از دستگاه‌های حکومتی می‌گیرید، بعد جلوی مردم از تحریم‌شان حرف می‌زنید؟

حقیقت این است که هنرمندان همواره به‌دنبال دیده شدن هستند و تلاش می‌کنند از هر سکویی استفاده کنند تا سر زبان‌ها باشند. اما در کنار این عطش دیده شدن، یک کلید واژه دیگر هم وجود دارد و آن بایکوت شدن و طرد و نادیده گرفته شدن است که بیش از دیده شدن هنرمندان را آزار می‌دهد.

داستان تحریم‌های هنرمندان در جشنواره چهل و یکم نشان داد که برخلاف هالیوود که از نظام سیاسی حاکم تبعیت می‌کند، در ایران خط رسانه‌ای بخصوص سینما، مسیر دیگری دارد و توسط گروهی خارج از دستگاه حکومتی اداره می‌شوند و آنها هستند که آینده کاری بازیگران را در آینده تضمین و یا خط می‌زنند. این در حالی است که در هالیوود تمام بخش‌های فرهنگی و رسانه‌ای تحت کنترل نظام حاکم‌اند و ربط خود را از دستگاه حکومتی می‌گیرند تا جایی که آمریکایی‌ها برای همسویی رسانه‌های جریان اصلی خودشان، چند سالی هست که کنفرانس «سان ولی» را ترتیب داده‌اند تا خط رسانه‌ای یک سال آمریکا را طرح‌ریزی کنند.

ممنوع‌الکاری «مارلون براندو» بعد از امتناع از گرفتن جایزه اسکار

در این سیستم است که کسانی مانند مارلون براندو بعد از امتناع از گرفتن جایزه اسکار خود در سال ۱۹۷۳ توسط هالیوود تحریم و کنار می‌رود و یا چارلی چاپلین به دلیل مواضع ضد آمریکایی‌اش از آمریکا تبعید می‌شود و بسیاری از موارد دیگری که بازیگران توسط این خط و ربط‌های نظام سیاسی حاکم در

آمریکا اداره و کنترل می‌شوند. در این شرایط، در ایران این هنرمندان‌اند که برای جریان حاکم خط و نشان می‌کشند، کسانی مثل بهمن فرمان‌آرا، کارگردان ایرانی که با پس دادن سیمرغ‌های بلورین خود به دفتر جشنواره خواستار تحریم جشنواره فیلم فجر شد. وی خطاب به اعضای خانه سینما گفته بود: اگر متحد بمانید و همگی از نمایش فیلم‌های‌تان در جشنواره فجر خودداری کنید بالاخره نتیجه می‌گیریم. ادعایی که در یک مقایسه ساده نشان می‌دهد، اغلب هنرمندان در ایران هیچ پیوندی با جریان حکومتی ندارند و خط و ربط خود را خارج از این سیستم می‌گیرند. گویی در این جدایی، جریان دیگری حضور دارد که خط هدایت و کنترل هنرمندان در دست آنها است و اگر سیاست‌های این جریان از طرف هنرمندان نادیده انگاشته شود از طرف آنها از عرصه هنرکنار گذاشته می‌شوند.

کانون فیلمسازان مستقل یا کانون براندازان؟

در ایران، بر خلاف آمریکا، چیزی به‌عنوان سینمای خصوصی نداریم و از ابتدای انقلاب تا به امروز، هنرمندان در دامن بودجه دولتی رشد کرده و به شهرت رسیده‌اند. به عبارتی اگر در آمریکا منافع ملی خطر طرد شدن و کنار زدن را آشکار می‌کند، در ایران، منافع گروهی نامرتبی، حضور هنرمندان را تضمین می‌کند؛ گروهی که مشخص نیست قرار است منافع چه کسانی را تأمین کنند! از جمله این گروه‌هایی که در جریان تحریم جشنواره آتش تندی داشت کانون فیلمسازان مستقل است.

این کانون که در حمایت از اعتراضات تشکیل شد علناً به کانونی برای براندازی جمهوری اسلامی تبدیل شده که با بیان‌های ساختارشکنانه همچون بیانیه‌ای که در حمایت از تحریم جشنواره بیان کردند رسماً از آزادی بیان در کشور سوءاستفاده کرده و به قولی دشمنی‌شان از داخل فیلم‌ها به عرصه جامعه کشیده شده است تا جایی که هنرمندانی را که از این کانون

